

ژان پل سارتر

سه داستان



ترجمه:

دکتر محمود سلطانیه



۸۷۶ - ۶۶۲ - ۶۶۵ - ۱۸ - ۸۱ - ۳ - ۳۰۳

ISBN: 978-964-2825-18-3

۱۵۱۰۰۰

فهرست

۵	اتاق
۴۹	ارسترات
۷۳	دیوار

اتاق

خانم داربدا^۱ «راحت الحلقومی» را که میان انگلستان گرفته بود با احتیاط به لبان خود نزدیک کرد و از ترس آنکه مبادا غبار شکر روی آن بلند شود نفس در سینه نگهداشت و در همان حال که به خود می‌گفت: «بوی گلاب می‌دهد» گازی به آن شیرینی شیشه مانند زد و دهانش سرشار از عطر مانده‌ی آن شد: «چه حیرت‌بار است! درست مانند بیماری‌ها که خود سبب پالایش احساس‌ها می‌شوند.» به یاد مسجدها و شرقی‌های بسیار خوش‌برخورد افتاد (ماه غسل را در الجزایر گذرانده بود) و لبخندی کمرنگ گوشه‌ی لبان پریده‌رنگش نشست، راحت الحلقوم نیز بسیار خوشمزه می‌نمود.

خانم داربدا بارها ناگزیر شده بود با کف دست روی برگ‌های کتابش بکشد، زیرا با وجود احتیاط بسیار، باز لایه‌ی نازک از گرد سپید، روی آنها می‌نشست. او دستان خود را روی برگ‌ها می‌سراند و با چرخاندن خاک شکر آن را با آوای خفه‌اش از روی کاغذ لیز می‌پراکند: «یاد آرکاشن^۲ افتادم و روزهایی که در ساحل آن کتاب می‌خواندم...» تابستان ۱۹۰۷ را در کنار دریا گذرانده بود. کلاه حصیری بزرگی با روبان سبز به سر

1. Darbédát

2. Arcachon